

به مناسبت روز جهانی دعا

3 مارس 2017

اصولن چه چیزی منصفانه است؟

سرود:	بیا و حکایت کن
	سلام استقبال
یک نفر:	در فیلیپین هنگام سلام کردن گفته می شود «Mabuhay»!
	این واژه در زبان رسمی ما تاگالوگ به معنای «خوش آمدید» و «عمرت دراز باد»، و همچنین «سلامت باشی» یا «آفرین» است!
یک نفر:	به روز جهانی دعا در سال 2017 خوش آمدید.
	همراه با زنان فیلیپینی این بار این پرسش برای ما مطرح است: چه چیزی منصفانه است؟
	ما شما را از صمیم قلب در آغوش می کشیم. وارد دایره ما شوید. همه با هم می خواهیم پروردگار را سپاس گوئیم و ستایش کنیم.
فراخوان به دعاخوانی	
یک نفر	چه باشکوه است گرد آمدن ما در خانه پروردگار
همگی	پروردگار در میان ما است.
یک نفر	حتی در لحظه رنج و مشقت
همگی	ما را از نیروی روح مقدس سرشار کن
یک نفر	پیش از هر چیز سپاسگزار باشید
همگی	بویژه سپاسگزار عیسی مسیح که پروردگار به وسیله او به ما رستگاری ارزانی می کند
هم آوایی	آمین
	باتوان عدالت می طلبند
یک نفر	اکنون گوش فرامی دهیم به آنچه که زنان فیلیپینی برای مان تعریف می کنند
سرود	بیا و حکایت کن
بانوی اول	<p>من مرلین از مین دانائو هستم، جزیره ای در جنوب کشور. هنگامی که بچه بودم، بارها شاهد بودم که مادرم چگونه کتک می خورد. و هنگامی که من هفت ساله بودم، او بر اثر سرطان مُرد. یک ماه پس از درگذشت او، پدرم به خاطر دعوایی بر سر زمین کشاورزی با گلوله ای کشته شد و من شاهد آن صحنه بودم. بعد من مجبور شدم، دنبال کار بگردم تا برادران و خواهران کوچک ترم بتوانند به مدرسه بروند. من کاری در یک کشتی پیدا کردم که مرا به شهر بزرگ مانیل برد. 15 سال داشتم، اما خود را 18 ساله جا زدم تا آن کار را به من بدهند.</p> <p>یک بنگاه کاریابی مرا برای کلفتی به خانواده ای معرفی کرد. آنجا همه کارها، در همه اوقات روز به گردن من بود؛ بدون هیچ روز آزاد و آخر هفته. پس از سه ماه کار بی مزد، استعفا دادم و از آنجا رفتم. به دنبال آن صاحب کارم بخاطر اتهام سنگین دزدی شکایت کرد. او ادعا کرد که من گوشواره دخترش را دزدیده ام. سه روز و دو شب مرا بازداشت کردند.</p> <p>یک وکیل مسیحی، که پولی از من نمی خواست، به من در این پرونده بر ضد صاحب کارم کمک کرد. من در دو مورد دادگاه را بردم. صاحب کار سابق ام مجبور شد به خاطر شرایط کار ضد قانونی به من خسارت بپردازد و ضمن شکایت خود بر ضد من به خاطر اتهام دزدی را پس بگیرد. الان دیگر من سوءسابقه ای ندارم. داستان من، سرگذشت بسیاری از دختران جوان کشور ما است که بخاطر فشار اقتصادی به شهرهای بزرگ و یا خارج کوچ می کنند تا کار کنند. ما هنوز مدرسه ابتدایی را تمام نکرده، به کلفتی می پردازیم. اغلب از ما سوءاستفاده می شود و ما را استثمار می کنند. و همه اینها علیرغم آن صورت می گیرد که در نوامبر 2012 قانونی در رابطه با حقوق مستخدمان کارهای خانگی تصویب شده است. برای این به اصطلاح قانون Kasambahay انسان های زیادی مدت طولانی مبارزه کرده اند. بیش از دو میلیون کلفت و نوکر در کشور ما وجود دارد. ما خواهان شرایط کار انسانی هستیم، تا بتوانیم بر فقر چیره شویم.</p>
سرود	بیا و حکایت کن
بانوی دوم	<p>من سلیا هستم و یک بچه دارم. من کارگر روزمزد و در یک مزرعه بزرگ نیشکر در «لوزون» مرکزی، جزیره بزرگی در شمال فیلیپین، کار می کنم. درآمد روزانه من برای تامین معیشت خانواده ام کفایت نمی کند. چون از بسیاری از زمین های زیر کشت اکنون به گونه دیگری استفاده می شود و ماشین های کشاورزی به کار گرفته می شوند، برای ما کار زیادی وجود ندارد. به همین دلیل من اغلب تنها دو روز در هفته می توانم کار کنم.</p>

<p>برای این که پول بیشتری برای خانواده ام در آورم، در روزهایی که مدرسه ها باز هستند، کتلت ماهی و نوشابه خنک می فروشم. در برخی خانه ها هم رختشویی می کنم و یا بعنوان فروشنده دوره گرد صابون و خمیر دندان می فروشم.</p> <p>با این که به سختی و زیاد کار می کنم، درآمد به حدی نیست که بتوانم سه وعده غذای درست و حسابی در روز برای خانواده ام تامین کنم. پولم برای تامین مخارج آب لوله کشی در خانه نیز کفایت نمی کند.</p> <p>آب را می بایست از پمپ های عمومی کنار خیابان تهیه کنم.</p> <p>مزرعه نیشکر 6453 هکتار است. همراه با پنج هزار کارگر کشاورزی، ما برای بدست آوردن یک قطعه زمین کشاورزی روزشماری می کنیم، تا بتوانیم برای خودمان آن را کشت کنیم. اصلاحات ارضی حکومت چنین چیزی را در نظر گرفته. و صاحبان زمین وعده داده اند که مطابق این قانون، زمین تقسیم کنند. ما می بایست کماکان بخاطر حق مان برای داشتن یک زندگی در شان انسان، مبارزه کنیم.</p>	
<p>سرود</p>	<p>بیا و حکایت کن</p>
<p>اسم من ادیتا است، 69 سال دارم و بیوه ام. هر سه بچه ام ازدواج کرده اند. من در شهر «آرْمُک» در شرق فیلیپین زندگی می کنم. در منطقه ما توفان و گردباد «یولاندا» که در کشور های دیگر «هایان» نامیده می شود، کولاک می کند. من بر اثر این توفان خانه و زندگی ام را از دست دادم، اما توانستم جانم را نجات دهم. از آن موقع به بعد من همراه با یک زن همسایه در کلبه ای موقتی زندگی می کنم و غذای مان را با هم تقسیم می کنیم.</p> <p>هیچگونه کمک دولتی به من داده نشده تا بتوانم خانه ام را بازسازی کنم. با این حال شکر گذاریم که لاقل برخی سازمان ها و نهادها به قربانیان توفان و گردباد کمک می کنند. از طرف برنامه «پول نقد برای کار» متعلق به سازمان کمک رسانی «Christian Aid» به من کمک می شود. توفان و گردباد زخم عمیقی در زندگی من از خود بجا گذاشتند. من دنبال کار و مسکن جدیدی می گردم. برنامه کمک رسانی دولتی برای جبران خسارت ها و بازسازی بسیار کند پیش می رود. در همین رابطه بخاطر خرابی های عظیم توسط توفان و گردباد کمک های مالی چند میلیاردی جامعه بین المللی به سمت کشور ما سرازیر شد. همبستگی منبع نیروی ما است. بویژه در شرایط دشواری مانند وضع فعلی این موضوع برای ما روشن تر می شود.</p>	<p>بانوی سوم</p>
<p>سرود</p>	<p>سیلایان! به زندگی بنگر</p>
<p>اقرار و اعتراف</p>	
<p>پروردگارا، سرگذشت خواهران فیلیپینی، ما را به یاد آن می اندازد که تا چه حد از وعده تو مبنی بر یک زندگی سرشار برای همه انسان ها دوریم.</p> <p>توجیه ما چنین است که ما با ندهای ضعیف مان به هیچ چیز نمی توانیم دست یابیم.</p>	<p>یک نفر</p>
<p>Sigaw !Sigaw !</p>	<p>سرودخوانان</p>
<p>پروردگارا، آیا فریاد صلح خواهانه مخلوقات را شنیده ای</p>	<p>همگی</p>
<p>اما بهانه ما این است که ما برای حفظ منافع مان به نظامیان نیرومند نیاز داریم</p>	<p>بانوی اول</p>
<p>Sigaw !Sigaw !</p>	<p>سرودخوانان</p>
<p>پروردگارا، آیا فریاد مخلوقات برای حفاظت از زمین را شنیده ای</p>	<p>همگی</p>
<p>اما بهانه ما این است که دانش راهی برای نجات کره زمین پیدا خواهد کرد.</p>	<p>بانوی دوم</p>
<p>Sigaw !Sigaw !</p>	<p>سرودخوانان</p>
<p>پروردگارا، آیا فریاد آشتی جویانه مخلوقات را شنیده ای</p>	<p>همگی</p>
<p>اما بهانه ما این است که با مردمانی از ملت ها و فرهنگ های دیگر زیاد سر و کار نداریم.</p>	<p>بانوی سوم</p>
<p>Sigaw !Sigaw !</p>	<p>سرودخوانان</p>
<p>پروردگارا، تو به ما گفتی که به فقیران و آوارگان یاری رسانیم</p>	<p>همگی</p>
<p>اما بهانه ما این است که کمک های ما بی شک ثمر نخواهد داشت.</p>	<p>بانوی دوم</p>
<p>Sigaw !Sigaw !</p>	<p>سرودخوانان</p>
<p>پروردگارا، بهانه جویی های ساده ما ته کشیده اند و ما مجبوریم که به درماندگی خود اقرار کنیم.</p> <p>ما باید پاسخگو باشیم، وقتی که به فریادهای کمک خواهانه دیگر انسان ها واکنشی نشان نمی دهیم.</p> <p>فراخوان عدالت جویانه تو پاسخ ما را می طلبد.</p> <p>پروردگارا، ما را عفو کن و به ما رهایی ببخش.</p> <p>به ما اشتیاق ارزانی دار و بگذار دست به کار شویم. آمین.</p>	<p>همگی</p>
<p>طلب عفو و بخشش</p>	
<p>پروردگار می گوید: گوش فرا دارید، ای کسانی که در پی عدالت اید، ای کسانی که خدا را می جوید.</p> <p>آری، شما می بایست با شادی برون آید و با صلح و آشتی هدایت شوید. کوه ها و تپه ها می بایست شادی کنند، می بایست با شما مسرور باشند و درختان و مزرعه ها نیز دست افشانی کنند. (یز 51؛ 1؛ 55، 12)</p> <p>عیسی مسیح می گوید: من آمده ام تا شما زندگی بیابید و زندگی سرشاری بیابید. (یوحنا 10، 10)</p> <p>پروردگارا ما را عفو کن و به ما رهایی ببخش، تا ما بتوانیم از صمیم قلب از نو بیآغازیم.</p>	<p>یک نفر</p>
<p>آمین.</p>	<p>همگی</p>

سرود	ای خدای آسمان ها
	روخوانی
یک نفر	<p>اکنون به تمثیلی از انجیل مائتوس گوش می دهیم.</p> <p>1 زیرا ملکوت آسمان صاحب خانه ای را ماند که بامدادان به میدان ده رفت تا عمله به جهت تاکستان خود به مزد بگیرد. 2 پس با عمله، روزی یک سکه نقره ای قرار داده، ایشان را به تاکستان خود فرستاد. 3 و ساعت نهم بیرون رفته، برخی مردان دیگر را در بازار بیکار ایستاده دید. 4 ایشان را نیز گفت: «شما هم می توانید در تاکستان ام کار کنید و آنچه حق شما است به شما می دهیم». 5 آنان رفتند. باز قریب به ظهر و ساعت سوم پس از ظهر رفته، همچنین کرد. 6 و حتی وقتی قریب به ساعت پنجم پس از ظهر به میدان رفت، چند نفر دیگر بیکار ایستاده یافت. ایشان را گفت: «از بهر چه تمامی روز در اینجا بیکار ایستاده اید؟» 7 گفتندش: «هیچ کس ما را به مزد نگرفت.» بدیشان گفت: «شما نیز به تاکستان بروید و حق خویش را خواهید یافت.» 8 و چون وقت شام رسید، صاحب تاکستان به ناظر خود گفت: «مزدگیران را طلبیده، ابتدا از آخرین ها شروع کن و تا اولین ها مزد ایشان را ادا کن.» 9 پس ابتدا ساعت پنج پس از ظهري ها آمده، هر نفر سکه نقره ای گرفتند. 10 وقتی اولین ها، که خیلی زود شروع کرده بودند، آمدند، گمان بردند که بیشتر مزد خواهند گرفت. ولی ایشان نیز هر نفر سکه نقره ای گرفت. 11 اما چون گرفتند، به صاحب خانه شکایت بردند 12 گفتند که «این آخرین ها، یک ساعت کار کردند و ایشان را با ما که متحمل سختی و حرارت روز گردیده ایم مساوی ساخته ای؟» 13 او در جواب یکی از ایشان گفت: «عزیزم بر تو ظلمی نکردم. مگر به سکه ای با من قرار ندادی؟ 14 حق خود را گرفته برو. می خواهم بدین آخری، به اندازه تو دهم. 15 آیا مرا جایز نیست که با مال خود آنچه خواهم بکنم؟ مگر تو به دست و دلبازی من حسادت می کنی؟» 16 عیسی مسیح گفت: بنابراین اولین، آخرین و آخرین، اولین خواهند شد، زیرا خوانده شدگان بسیارند و برگزیدگان کم.» (انجیل متی 20، 1-16) (از متن اصلاح شده ترجمه فارسی انجیل متی، http://www.farsicrc.com/sources/ahdejadid-pdf/item/2209-matthew)</p>
	تامل و تبادل افکار
یک نفر	عیسی مسیح با پیروانش درباره قلمروی پروردگار سخن می گوید و آن را با عملکرد صاحب کشتزاری مقایسه می کند که در اوقات مختلف روز کارگرانی را به کشتزار خود به کار می گیرد، اما به همگی آنان دستمزد برابر می پردازد.
یک نفر	با توجه به وضعیت بیکاری، ما همگی از این که انسان های بیشتری به کار گمارده شوند، خوشحال می شویم.
یک نفر	و با این حال اگر ما اولین کسانی باشیم که به کار گمارده شده اند، احتمالاً شکایت خواهیم کرد که چرا دستمزد ما برابر با آن کسی است که آخر از همه به کار گمارده شده است.
یک نفر	در فیلیپین رایج است که هنگام کشت و نشای برنج از همسایگان درخواست کمک می شود. به هیچکس پولی پرداخت نمی شود، اما همگی مقداری از محصول را دریافت می کنند. این سنت Dagyaw (بخوان Dagjau) نامیده می شود.
یک نفر	Dagyaw به ایجاد و حفظ یک اجتماع خوب کمک می رساند. به این ترتیب احساس همدردی و غمخواری برای یک دیگر، صورت عملی به خود می گیرد.
یک نفر	در این تمثیل انجیلی، عیسی مسیح از دست و دلبازی صاحب کشتزار حکایت می کند تا ما بهتر دریابیم که قلمروی خداوندی به چه معنا است. اینجا چند پرسش مطرح می شود.
یک نفر	تو در کجا فراخوان خداوندی را برای دست به کار شدن عادلانه، می شنوی؟
	تو چگونه به این فراخوان خداوندی پاسخ می گویی؟
	چه چیزی منصفانه است؟
	با همدیگر به تبادل نظر بپردازید (زمانی برای تبادل نظر)
سرود	ما دست به سوی تو بلند می کنیم.
	مسئولیت فردی در همبستگی
یک نفر	زمان برداشت محصول، زمان سرشاری است و زمانی است برای جشن گرفتن. بیایید و میوه های محصولات ما را بپذیرید – این Dagyaw ما است! میوه های عدالت، امید ما را تغذیه کرده و تلاش ما را تقویت می کنند.
	این امر چنان ما را به اشتیاق می آورد که علیرغم همه موانع تسلیم نشویم.
عمل	اکنون وقت آن است که بسته های کوچک برنج در بین شرکت کنندگان تقسیم شوند.
سرود	ما هدیه های مان را می آوریم.
یک نفر	پروردگارا، ما این برنج را برایت می آوریم. این نشانه ای است از روح رهایی بخش تو برای ما. بگذار میوه های روح تو در ما پرورانده و پخته شوند، تا عدالت رشد کند. ملت و جامعه ما را به انسان هایی تبدیل کن، که از ته قلب بتوانند حس کنند و دوست بدارند.
	پروردگار زندگی، هسته ها را به میوه بدل کن. ما برای همه آنانی که در معجزه کاشت و در لذت برداشت محصول نقش دارند، دعا می کنیم.

	<p>بگذار بذر عدالت ما مانند گیاهان در آب های روان و زنده بشکفند. ما این میوه های عدالت را با خود می آوریم. آنها نشانه های اشتیاق ما برای آوردن امید به این دنیای نامنصفانه اند.</p> <p>ما می خواهیم که با دستان خود همواره به بذرافشانی پرداخته و مراقب گیاهان تا زمان فرارسیدن برداشت محصول باشیم.</p> <p>وجودمان را پاک کن. ما را تغییر ده. رهای مان ساز. محصولات مان را محفوظ بدار. بگذار طبق اراده تو و به افتخار تو زندگی کنیم. آمین.</p>
	گردآوری صدقه
یک نفر	<p>روز جهانی دعا یک جنبش جهانی بزرگ زنان مسیحی است. هر سال ما شیفته از قدرت زنان شرکت کننده در این برنامه، شریک دل نگرانی های آنان شده و در باورمان دلگرمی می یابیم. چشم انداز ما دنیایی است که در آن همه زنان بتوانند با اتکالی به نفس زندگی کنند. در راه رسیدن به این چشم انداز، ما نیازمند نشانه های همبستگی عملی هستیم. یکی از این نشانه ها صدقه هایی است که ما بوسیله آن از پروژه هایی پشتیبانی می کنیم که زنان و دختران را تقویت می کنند.</p>
سرود	برای شفای همه ملت ها
	طلب شفاعت
یک نفر	خواهش های خواهران فیلیپینی مان را به درگاه پروردگار عرضه کنیم.
یک نفر	من یک مادرم. کودکان ما نیازمند تامین نیازهای پایه های پزشکی و بهداشتی اند.
همگی	پروردگار امید و آشتی، ما می خواهیم از کودکان مان مراقبت کنیم تا از نیازها و تنگناهای آنان بکاهیم.
سرودخوانان	Sigaw! پروردگارا، به تو پناه می آوریم.
یک نفر	من در خارج کار می کنم. من نیازمند قانون های عادلانه ام.
همگی	پروردگار عدالت و رهایی، منزلت انسانی در خطر است.
	ما وظیفه خود می دانیم که ریشه های بی عدالتی را بخشکانیم.
سرودخوانان	Sigaw! پروردگارا، به تو پناه می آوریم.
یک نفر	من جوانم. من نیازمند برخورداری از امکانات آموزشی ام. من مایلم که به مدرسه بروم.
همگی	پروردگارا، آموزگار و راهنمای ما. به همه انسان ها امکان آن را ارزانی دار، آنگونه بشوند که تو آنان را آفریده ای و بتوانند امکانات و توانایی های خود را شکوفا سازند.
سرودخوانان	Sigaw! پروردگارا، به تو پناه می آوریم.
یک نفر	ملت من از زمان های بسیار طولانی در این سرزمین زندگی می کند.
	من مایلم که میراث ملت من، که پروردگار آن را به ما ارزانی داشته، محفوظ بماند.
همگی	پروردگارا، ای آفریننده زندگی، ما می خواهیم به ساختن یک اجتماع جهانی مبتنی بر عشق، عدالت و همیاری متقابل کمک رسانیم.
سرودخوانان	Sigaw! پروردگارا، به تو پناه می آوریم.
یک نفر	من یک کشاورز و یک کارگرم. پروردگارا، ما می خواهیم هر چه بیشتر از خوبی های تو بهره مند شده و به فراخوان تو برای دست به کار شدن، پاسخ مثبت دهیم. اینگونه می توانیم جامعه را دگرگون کنیم.
همگی	<p>پروردگار عشق و عدالت،</p> <p>به ما یاری رسان که بذرهای دگرگونی باشیم</p> <p>و ما را به وسیله ای برای صلح ات بدل کن.</p>
یک نفر	همه با هم دعا می کنیم:
همگی	ای پدر ما
	طلب برکت و تبرک
سرود	بگذار عدالت جاری شود
یک نفر	عیسی مسیح نان زندگی ما است. او ما را می فرستد، تا دیگران را سیر کنیم.
همگی	ما می خواهیم زندگی مان را با خواهران و برادران مان تقسیم کنیم.
یک نفر	پروردگار عدالت ما را می فرستد تا بذر امید بنشانیم، تا این بذر میوه های رهایی و عشق به بار آورد.
همگی	ما می خواهیم با دستان مان بکاریم، بپرورانیم و درو کنیم.
یک نفر	نیروی خرد مقدس ما را می فرستد تا وسیله انصاف و شادی باشیم.
همگی	بگذار تا طبق اراده و به افتخار تو زندگی کنیم. آمین.
یک نفر	پروردگار منبع عدالت، به ما برکت ارزانی دار.
	عیسی مسیح، که به خاطر ما بی عدالتی و پیگرد را به جان خرید، به ما برکت ارزانی دار.
	نیروی خرد مقدس، که به ما قدرت فعالیت برای عدالت و صلح می بخشد، به ما برکت ارزانی دار.
	پروردگارا همواره ما را از برکت و فیض خود بهره مند ساز. آمین.
سرود	روز به سر آمده، شب دوباره بازمی گردد